

آخرین ملاقات من با صدام حسین

نوشته‌ی: یوگنی پریماکوف

برگردان: ف. م. هاشمی

در شرایطی که "جورج بوش" خود را برای آغاز عملیات زمینی علیه عراق آماده می‌ساخت، میخائیل گورباچف، به منظور آخرین تلاش برای میانجی‌گری میان عراق و متحدها، یک بار دیگر مشاور شخصی خود «یوگنی پریماکوف» را به بغداد فرستاد. متعاقب این سفر، طارق عزیز راهی مسکو شد. کرملین، نومیدانه تلاش کرد تا شاید صدام را به پذیرش قطعنامه‌های شورای امنیت ترغیب کند. این متن، مراحل مختلف این آخرین ابتکار شوروی برای جلوگیری از آغاز جنگ زمینی را، به روایت «پریماکوف» شرح می‌دهد. این مقاله، به نقل از شماره‌ی ۱۱ مارس ۱۹۹۱ مجله‌ی «تایم» برگردان شده است.

از ماه اکتبر به بعد، دوباره به بغداد رفته بودم، اما این بار، به علت بمباران‌های هوایی، دسترسی به پایتخت عراق بسیار دشوارتر از دفعه گذشته بود. در ۱۱ فوریه به تهران پرواز کردم. سپس با اتوموبیل به مرز عراق رفتم و در آنجا با «سعد الفیصل» معاون وزیر خارجه‌ی عراق و «ویکتور پوزوالیوک» سفیر کشورمان در عراق ملاقات کردم و آن‌گاه با اتوموبیل و با حداکثر سرعت به طرف بغداد حرکت کردیم. در ظلمات شب، هر از چندگاهی کاروان کوچک اتوموبیل‌های ما که تنگاتنگ یک‌دیگر حرکت می‌کرد، چراغ‌های خود را برای تشخیص راه روشن می‌کرد.

پس از دو ساعت رانندگی، به محض ورود به حومه‌ی بغداد، کاروان متفرق شد. اتوموبیل‌هایی که ما در آن بودیم، مانند خودروهای مقام‌های عراقی، به منظور استتار، با گل و لای پوشانده شده بود. به نظر رسید که این کار، اتوموبیل‌ها را بیش‌تر انگشت نما می‌کند و در معرض خطر قرار می‌دهد.

ملاقات من با صدام، بعد از ظهر روز بعد، یعنی ۱۲ فوریه انجام شد. فکر می‌کردیم که برای ملاقات با او باید به سنگری برویم که شاید فرستگ‌ها یا بغداد فاصله داشته باشد. اما همه چیز بسیار عادی بود. ما را به یک میهمان‌سرا در مرکز شهر هدایت کردند. ناگهان یک ژنراتور برق روشن و میهمان‌سرا غرق نور شد. سپس صدام حسین، به همراه تمامی اعضای هیات رهبری عراق هویدا شد.

پس از این که گله‌های فراوانی را درباره‌ی سیاست شوروی و این‌که گویا این کشور برای جنگ با عراق به سازمان ملل چراغ سبز داده است و نیز اعلام مواضع «تزلزل‌ناپذیر» عراق را شنیدم، از صدام خواستم که با او تنها صحبت کنم. سپس به‌وی گفتم: «آمریکایی‌ها، مصمم هستند عملیات زمینی گسترده‌ای را برای بیرون کردن عراق از کویت آغاز کنند.» به او متذکر شدم که سیاست، هنر محاسبه‌ی احتمال‌ها است. آن‌گاه، به دستور گورباچف، این پیشنهاد را تسلیم صدام کردم: اعلام عقب‌نشینی از کویت در کوتاه‌ترین زمان ممکن، این عقب‌نشینی باید به‌طور کامل و بدون هیچ قید و شرطی صورت بگیرد.

ما به یک نقطه‌ی عطف رسیدیم و صدام پرسش‌هایی را درباره‌ی این پیشنهاد مطرح کرد. این نشانگر آن بود که صدام با اساس این پیشنهاد مخالف نیست: چه تضمینی وجود دارد که سربازان عراقی حین ترک کویت، از پشت مورد حمله قرار نگیرند؟ چه تضمینی وجود دارد که پس از خروج از کویت، حمله به عراق متوقف شود؟ آیا مجازات‌های سازمان ملل علیه عراق لغو خواهد شد؟

به علت قطع خطوط تلفنی در اثر بمباران‌های هوایی، و نیز به علت این‌که باید فوری به مسکو باز می‌گشتم، صدام حسین پیشنهاد کرد که پاسخ به این طرح را به وسیله‌ی طارق عزیز، تسلیم سفارت شوروی در بغداد کند و به منظور ادامه‌ی مذاکره، طارق عزیز راهی مسکو شود. در ساعت ۲ بامداد روز ۱۳ فوریه، این پاسخ کتبی به وسیله‌ی طارق عزیز تسلیم سفارت شوروی در بغداد شد: «رهبری عراق به‌طور جدی سرگرم بررسی پیشنهادهایی است که به وسیله‌ی نماینده‌ی رییس جمهوری شوروی مطرح شده است و در آینده‌ی نزدیک به آن‌ها پاسخ خواهد داد.» دو روز بعد، شورای فرماندهی انقلاب عراق اعلام کرد که آماده است به قطعنامه‌ی ۶۶۰ شورای امنیت گردن بگذارد. اما در عین حال، یک سلسله شرط‌ها را نیز مطرح می‌کرد.

در ملاقات طارق عزیز با گورباچف، که من و الکساندر بسمرنیخ نیز حضور داشتیم،

عزیز گفت که با وجود ضربه‌ی سهمگینی که بر عراق وارد شده، کشورش تسلیم نخواهد شد و این حرف آخر عراق است. گورباچف گفت: «به نظر می‌رسد موضع شما خیلی متناقض باشد. از یک سو پذیرش قطعنامه‌ی ۶۶۰ که خواستار عقب‌نشینی بدون قید و شرط عراق از کویت است، گامی مهم در راه حل و فصل سیاسی جنگ است، و از سوی دیگر، به نظر می‌رسد موضع شما، شرایطی را برای عقب‌نشینی قایل می‌شود.» گورباچف همچنین مایل بود بداند که چرا در بیانیه‌ی عراق، نامی از کویت برده نشده است. سپس گورباچف این طرح را به رهبری عراق پیشنهاد کرد:

عراق عقب‌نشینی کامل از کویت را اعلام (نه تنها در قالب الفاظ کلی) و زمان مشخصی را برای پایان عقب‌نشینی تعیین کند. این زمان، باید کوتاه‌ترین زمان ممکن باشد. عقب‌نشینی باید بی‌درنگ پس از توقف عملیات نظامی آغاز شود و بدون وقفه ادامه یابد. این عقب‌نشینی، تنها در صورتی که نیروهای عراقی از پشت مورد حمله قرار بگیرند، می‌تواند متوقف شود. گورباچف گفت: «موقعیت بسیار حساسی است. اگر شما به زندگی هم‌میهنان و سرنوشت وطن خود علاقه‌مندید، باید بدون درنگ عمل کنید.»

همان روز، عزیز مسکو را به قصد بغداد ترک کرد. ساعت‌ها و روزهای دلهره‌آوری را در انتظار دریافت خبری از عراق سپری کردیم. در بعدازظهر ۲۰ فوریه، این پیام را از سفارت‌خانه‌ی خود در بغداد دریافت کردیم: عزیز درخواست کرده است که یک هواپیمای شوروی برای انتقال او به مسکو، به تهران فرستاده شود. روز بعد، صدام حسین در جریان یک نطق رادیویی هیجان‌انگیز و در عین حال متناقض، تمامی اتهام‌ها و تهدیدهای گذشته را دوباره تکرار کرد. بنابراین واضح بود، که در چنین شرایطی، مذاکره با طارق عزیز، چندان آسان نخواهد بود. عزیز، حدود نیمه‌شب وارد مسکو شد و برای مذاکره، به‌طور مستقیم به کرملین رفت. آن شب گورباچف، تا صبح دفتر کارش را ترک نکرد. آن‌ها کلیات مساله‌های مورد توافق را تنظیم کردند. مهم‌ترین این مساله‌ها، پذیرش قطعنامه‌ی ۶۶۰ به‌وسیله‌ی عراق و آمادگی این کشور برای خارج کردن تمامی نیروهایش از کویت بود. اما عراقی‌ها گفتند نمی‌توانند عقب‌نشینی را تا تاریخ پیشنهادی تکمیل کنند. ما به آن‌ها یادآوری کردیم که عراق، ظرف چند ساعت نیروهای خود را وارد خاک کویت کرد. اما عزیز در پاسخ گفت که این کار تنها در مورد دو لشکر انجام شد و بقیه‌ی پانصد هزار نیروی عراق، طی هفت ماه بعد، به تدریج در کویت استقرار یافت. گورباچف پافشاری کرد: «زمان تعیین شده، می‌تواند و باید حداقل زمان ممکن باشد.» از آن جایی

که زمان به سرعت می‌گذشت، «وتیالی ایگناتنکو» سخنگوی ریاست جمهوری شوروی، در جریان یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی کوتاه، نقاط مورد توافق دو طرف را اعلام کرد. او گفت، مذاکرها هم‌چنان ادامه دارد و انتظار می‌رود پیشرفت‌های بیشتری به‌دست آید. در پس این مصاحبه، امیدها افزایش یافت.

در فاصله‌ی این مذاکره، گوریباچف مدت نود دقیقه با جورج بوش از طریق تلفن صحبت کرد. من نیز در جریان این مکالمه قرار داشتم. بوش از تلاش‌های گوریباچف قدردانی کرد، اما در عین حال نسبت به این‌که تغییر موضع عراق بتواند چیزی را تغییر دهد، ابراز تردید کرد. به‌علاوه، بوش تاکید کرد که او نگران سرنوشت اسیران جنگی است و فکر نمی‌کند که بتوان خسارت‌های زیادی را که کویت از ناحیه‌ی تجاوز عراق متحمل شده است، نادیده گرفت. رییس‌جمهور آمریکا، همچنین نارضایتی خود را از زمان تعیین شده برای عقب‌نشینی نیروهای عراق ابراز کرد. به‌محض این‌که تماس تلفنی قطع شد، گوریباچف خطاب به من و بسمرنیخ گفت: «سعی کنید در جریان مذاکره‌ی ساعت‌های آینده، تضمین‌های لازم را برای رفع نگرانی‌های رییس‌جمهور بوش، به‌دست آورید.»

وقت خواب نبود. دوباره من، بسمرنیخ (وزیر خارجه) و الکساندر بلونوگوف (معاون وزیر خارجه)، در ساختمان وزارت خارجه واقع در خیابان الکسی تولستوی، با طارق عزیز و هیات همراهش ملاقات کردیم. و به این ترتیب یک مذاکره‌ی بی‌نهایت دشوار آغاز شد. در واقع، تنها یک ساعت، بررسی مسأله‌ی تعیین زمان آزادی اسیران آمریکایی و دیگر کشورها به‌درازا کشید. عراقی‌ها، مرتب بر روی دشواری‌های فنی پافشاری می‌کردند. سرانجام ما قاطعانه گفتیم: «سه روز پس از آغاز آتش بس. نه یک روز کم، نه یک روز زیاد!»

مذاکره بر سر تعیین جدول زمانی برای خروج نیروها نیز بسیار دشوار بود. عراقی‌ها دوباره با طرح دشواری‌های فنی، بر روی شش هفته پافشاری می‌کردند، اما از آنجایی که ما می‌دانستیم فصل بادهای کوبری و توفان شن در منطقه به‌زودی فرا می‌رسد و انجام عملیات نظامی در چنین شرایطی بسیاری دشوار خواهد بود، و آمریکایی‌ها نیز با اطلاع از این مسأله، ممکن است تصور کنند عراقی‌ها قصد وقت‌کشی دارند، بنابراین پیشنهاد کردیم زمان جداگانه‌ای برای خروج نیروهای عراق از شهر کویت تعیین شود: چهار روز پس از آغاز آتش بس، و نه بیشتر. ما همچنین موفق شدیم زمان خروج کامل نیروها از

کویت را به سه هفته کاهش دهیم. عزیز حاضر نبود از این بیش تر پیش برود. ما نتوانستیم پیرامون لغو مجازات‌هایی که در پی قطعنامه‌ی ۶۶۰ به وسیله‌ی شورای امنیت وضع شده بود، به توافقی دست بیاییم. براساس این قطعنامه‌ها، عراق باید خسارت‌های وارده بر کویت را جبران کند. عزیز گفت که به او در مورد نحوه‌ی برخورد با این مساله: «دستورالعمل اکید» داده شده است و او نمی‌تواند از آن تخطی کند. به عقیده‌ی ما، لغو مجازات‌ها، مساله‌ای بود که شورای امنیت باید در مورد آن تصمیم می‌گرفت و بنابراین ما تنها می‌توانستیم از موضع شوری صحبت کنیم.

به این ترتیب، در زمینه‌ی رفع نگرانی‌های ابراز شده به وسیله‌ی بوش، ما به پیشرفت‌هایی نایل آمدیم. برخی از این پیشرفت‌ها در زمینه‌هایی صورت گرفت که تا صبح همان روز، تصور نمی‌شد عراقی‌ها حاضر باشند در مورد آن‌ها، هیچ‌گونه انعطافی نشان دهند. به عنوان مثال، آن‌ها از این شرط که مجازات‌های اقتصادی سازمان ملل باید در صورت خروج دو سوم قوای عراق از خاک کویت لغو شوند، چشم پوشیده و پیشنهاد کردند که این مجازات‌ها، پس از خروج کامل نیروهای عراق از خاک کویت، لغو شوند. به نظر من، این تغییر موضع، می‌توانست، هرگونه سوءظن را مبنی بر این‌که عراق در صدد خارج ساختن بخشی از نیروهای خود از خاک کویت است، مرتفع سازد.

عزیز گفت که هرگونه تصمیم‌گیری، باید به وسیله‌ی شورای رهبری عراق و در راس آن شخص صدام حسین اتخاذ شود و پیشنهاد کرد که جهت ملاقات با صدام، من بدون درنگ همراه او به بغداد بروم. اما با توجه به این‌که دیگر زمانی برای این کار باقی نمانده بود، این پیشنهاد را رد کردیم و به جای آن توصیه کردیم که شخص او به‌طور مستقیم از مسکو با رهبری عراق تماس بگیرد.

اما، در این ضمن، بوش اولتیماتومی به عراق داد مبنی بر این‌که این کشور باید نیروهای خود را طی یک هفته از خاک کویت و ظرف ۴۸ ساعت از شهر کویت خارج سازد و عقب‌نشینی نیز باید در ظهر روز شنبه ۲۳ فوریه به وقت نیویورک آغاز شود.

در ساعت ۲ بامداد روز شنبه ۲۳ فوریه (۶ بعد از ظهر جمعه به وقت نیویورک و واشنگتن)، پاسخ مثبت صدام حسین را دریافت کردیم. ده ساعت بعد، طارق عزیز در مسکو اعلام کرد که رهبری عراق با خروج فوری و بدون قید و شرط تمامی نیروهای عراق از خاک کویت، موافقت کرده است. اما او در عین حال بر «پیچیدگی» مساله‌ها تاکید

کرد و از جمله، ضرورت اعلام لغو تمامی قطعنامه‌هایی را که شورای امنیت پس از

قطعه‌نامه‌ی ۶۶۰ تصویب کرد، بر شمرده. سپس اتحاد شوروی را به قصد بغداد ترک کرد. گورباچف، فوری تلگرافی خطاب به سران تمامی کشورهای عضو شورای امنیت ارسال کرد. او دوباره با بوش و نیز سران کشورهای عضو نیروهای متحد و ایران تماس تلفنی گرفت. در این تماس‌ها، او گفت که تصمیم عراق مبنی بر پذیرش عقب‌نشینی بدون قید و شرط از کویت، شرایط جدیدی را به وجود آورده است. پیشنهاد کرد جلسه‌ی فوق‌العاده‌ی شورای امنیت، جهت یک کاسه کردن خواسته‌های آمریکا و تعهدهای جدید عراق، تشکیل شود.

به نظر گورباچف، اختلاف موجود میان دستور ارایه شده به وسیله‌ی عراق و پیشنهاد تعدادی از کشورهای دیگر، آن چنان عمیق نبود که توان آن‌ها را ظرف یک یا دو روز در شورای امنیت حل و فصل کرد. به یقین این اختلاف‌ها آن قدر اساسی نبود که ضرورت توسعه‌ی جنگ را ایجاب کند. به نمایندگی اتحاد شوروی در سازمان ملل، دستور داده شد که تقاضای برگزاری اجلاس فوق‌العاده‌ی شورای امنیت را تسلیم این شورا کند. اما، در بامداد ۲۴ فوریه، عملیات زمینی نیروهای چند ملیتی آغاز شد. و به این ترتیب آخرین تلاش دیپلماتیک شوروی برای جلوگیری از گسترش جنگ، عقیم ماند.

بقیه «سیگار» از صفحه ۵۳۹

جین به ویژه سلول‌های جنسی مونث می‌شود و همان طور که ذکر شد اثرات این تخریب‌ها ممکن است در نسل‌های بعدی نیز ادامه یابد. هنوز تاثیر مخرب بسیاری از مواد مضر مانند سیگار و تنباکو بر ما ناشناخته است ولی آنچه در دنیای امروز بسیار مشهود است بیماری‌های گوناگون و فشار آن بر زندگی و سلامت انسان است. بی‌شک بخشی از مواد مصرفی انسان امروز دارای آن اثرات مخربی است که به طور مثال در گذشته این مواد یا مصرف نمی‌شده یا بسیار کم‌تر مورد استفاده و استعمال آدمی بوده است.

نقل از: مجله‌ی اسپوتنیک